

Title نقش پیامبر اسلام در تمدن سازی و ارتباط تمدن ایشان با تمدن موعود آخرالزمان چه بود؟

H۱ معرفی اقدامات تمدن ساز حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) و نقش پیامبر اسلام در تمدن سازی

حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) نه تنها پیامبر رحمت و هدایت برای مسلمانان، بلکه بنیان گذار تمدنی عظیم و الهی بودند که مبنای آن بر توحید، عدالت و اخلاق استوار بود. نقش پیامبر اسلام در تمدن سازی فراتر از صرفاً یک رهبر مذهبی، بلکه به عنوان یک معمار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بود که با ارائه چهارچوبی جامع، مسیر پیشرفت و تعالی را برای امت اسلامی هموار ساختند.

این مقاله به بررسی ابعاد گوناگون نقش پیامبر اسلام در تمدن سازی اسلامی و توسعه آن می پردازد. از وحدت و اتحاد مسلمانان به عنوان سنگ بنای این تمدن گرفته، تا قانون محوری و برقراری نظم اجتماعی که پایه های یک جامعه متمدن را بنا نهاد، همه از دستاوردهای بی بدیل ایشان است. همچنین مبارزه با عوامل درونی و بیرونی رکود تمدن اسلامی، آزادی مردم، خودکفایی و استقلال جبهه توحید و عزت نفس موحدان همگی از اصول اساسی این تمدن الهی به شمار می روند، که حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) با رهبری خردمندانه خود، آن ها را در جامعه نهادینه کردند. توحید محوری بر پایه شریعت، لزوم تحصیل علم و دانش، سازش ناپذیری با ظالمان و کافران، اهمیت جمعیت و جمع گرایی و ارزش های والایی مثل هجرت، صبر و استقامت، از دیگر مؤلفه های اساسی این تمدن هستند که در این مقاله به آن ها پرداخته می شود.

شایان ذکر است که این تمدن الهی، با تمام شئون الهی و انسانی خود به عنوان الگویی بی نظیر برای تمدن نوین جهانی در آخرالزمان و دوران منجی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مطرح است. تمدنی که در تکامل یافته ترین درجه خود، می تواند زمینه ساز تحقق آرمان های عدالت، صلح و سعادت برای تمامی بشریت باشد.

هدف از این بررسی، معرفی نقش پیامبر اسلام در تمدن سازی، تبیین جایگاه بی بدیل حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) در ساختن تمدنی است که همچنان می تواند الهام بخش و راهنمای جوامع بشری در مسیر عدالت، صلح و پیشرفت بوده و چراغ راهی برای تمدن نوین جهانی در عصر ظهور باشد.

H۲ درس‌های تمدن‌ساز سیره حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)

سرگذشت حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به عنوان الگوی تمدن‌ساز الهی سرشار از درس‌های تمدن‌ساز و اهداف تمدن‌محور است. از جمله این درس‌ها در مسیر شناخت نقش پیامبر اسلام در تمدن سازی می‌توانیم به موارد زیر اشاره کنیم:

H3 توحیدمحوری بر پایه شریعت

به جرئت می‌توانیم بگوییم که تفکر توحیدی اولین و مؤثرترین رکن از ارکان تمدن الهی است، مخصوصاً در تمدن اسلامی که حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با شعار توحیدی «لا إله إلا الله» اولین قدم ساخت این تمدن را برداشتند. ایشان این حقیقت را می‌دانستند که ریشه سستی، پوچی و ناامیدی توسط عقیده توحیدی سوزانده می‌شود و شادابی و رستگاری در دنیا و آخرت به وسیله توحیدمحوری تأمین می‌شود. ایشان در آموزه‌ها و عملشان همواره توحید را می‌آموختند و این آموزش از ابتدا در قالب انجام دستورالعمل‌ها و قوانین دینی جاری بود. هیچ تمدنی بدون پایبندی و تعهد به قوانین الهی نمی‌تواند مسیر کسب سعادت دنیا و آخرت را بپیماید، تمدن اسلامی هم از این قاعده جدا نبود.

H۳ قانون‌محوری

ایشان که رهبری متخصص به تمام جوانب حکومت‌داری انسانی بودند، از اهمیت و اثر ویژه قانون و قانون‌محوری در رشد و شکوهمندی جامعه آگاه بودند. حضرت با وضع قوانین الهی و پایبندی به حد و حدودهای مشخص فردی و اجتماعی از انحطاط و انقراض جامعه جلوگیری می‌کردند. حضرت در اجرای حدود الهی و مجازات متخلفین هیچ تبعیضی قائل نبودند. برای ایشان فقرا و اشراف، دوست و دشمن فرقی نداشت و با هر کسی که از اجرای قوانین سرپیچی می‌کرد، بر اساس قانون برخورد می‌شد.

H۳ وحدت، اتحاد و جمع‌گرایی

وجود گروهی منسجم و جمعیتی متحد و یکپارچه یک اصل مهم در شکل‌گیری تمدن است. نقش پیامبر اسلام در تمدن سازی آن بود که این تفکر را اصل مهم تمدن خود قرار بدهند. حضرت هم با این تفکر از

همان آغاز به فکر سازماندهی گروه و جمعیت بودند. ایشان از ابتدا جوری از مردم بیعت می گرفتند که گویی در سازمانی بزرگ ثبت نام می کنند، پیمان بزرگ ایشان هنگام ورود به مدینه از جمله اقدامات مهم ایشان در این راستا بود.

این حرکت که ایشان توانستند، عناصر ناموافق و متضاد نژادی، قومی و قبیله ای را در یک نقطه جمع کنند و اقوام مختلف عرب و عجم را با هر نژاد و رنگی به جمعیتی واحد تبدیل کنند، گواه موفقیت حضرت در تشکیل امت و پایه ریزی تمدنی الهی است.

همبستگی در ایجاد و بقای تمدن نقش سرنوشت سازی دارد. حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) این مشخصه را به بهترین شکل ممکن اجرا کردند. ایشان با آموزش صحیح و تزریق افکاری که برگرفته از فطرت الهی انسان ها بود، آنها را از جامعه ای خودمحور و انحصارطلب به مردم و امتی ایثارگر تبدیل کردند. حضرت مردمی پرچالش که افتخارشان غارت و خونریزی بود را به مردمی با فرهنگ و هم گرا تبدیل کردند. ایشان خط تفرقه را شکستند و دستانی که پیش از این علیه هم شمشیر می کشیدند را به دستی واحد که تبدیل کردند که بر سر دشمن فرود می آمد. همچنین «عقد اخوت» موجب توسعه بینش برادری و برابری بین مسلمانان شد و توانست، حریم های برتری طلبانه و اشرافیت خواهانه را از میان بردارد.

H3 مبارزه با عوامل درونی رکود تمدن اسلامی

عوامل و پیش زمینه های فراوانی وجود دارند که به رکود و انحطاط تمدن های بزرگ می انجامند. اگر رهبر یک تمدن این عوامل را شناسد و با علم و بصیرت کافی به رفع و خنثی کردن آنها نپردازد، سقوط آن تمدن یا فاصله گرفتن آن از آرمان های اولیه اش قطعی است. نه فقط استبداد، بدعت ها و خرافات، تبعیض، عقب ماندگی، فرقه گرایی، خود باختگی و دنیا گرایی می تواند عوامل درونی تخریب تمدن ها باشد، بلکه تفسیر نادرستی که بعضی مفاهیم اسلامی میان مردم پیدا کرده اند هم عامل مهمی است که منجر به رکود تمدن های اسلامی می شود. درست مثل «زهد» که مردم آن را پشت پا زدن محض به دنیا پنداشتند، یا

^۱ قرآن کریم، سوره حشر، آیه ۹
^۲ قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۰۳ و سوره جمعه، آیه ۲

تفسیر «صبر» به بی‌عرضگی و ترک هر گونه تلاش برای رفع مشکلات، تعبیر «سرنوشت» به جبرگرایی، یا تفسیر اعتقاد به «معاد» به محرومیت از تمام موهبت‌های دنیا و ... این‌گونه تفسیرها دیر یا زود تمدن را زمین می‌زند و آن را به زوال می‌رساند، همان‌طور که حضرت علی (علیه‌السلام) نتیجه این قبیل تعبیرها را پوستینی از اسلام دانستند که وارونه پوشیده شده است.

بخش مهمی از نقش پیامبر اسلام در تمدن سازی مثل برنامه‌ها، زمان و توان حضرت صرف تفهیم این موضوعات شد، تا فهم نادرست مردم را تصحیح کنند و تعادل را در قلب و عمل آنها جاری کنند. بخش عمده‌ای از تلاش‌های حضرت صرف آن شد که قلب مسلمانان از آلودگی‌ها و رذایل مختلف پاک شود تا صلاحیت و شایستگی برپایی تمدن الهی را داشته باشند.

۲۲ مبارزه با عوامل بیرونی رکود تمدن اسلامی

از مهم‌ترین عوامل بیرونی خطرناک برای امنیت و سلامت تمدن‌ها، فعالیت‌های تخریبی دشمنان علیه فرهنگ و تمدن اسلامی است. این اقدامات به شکل‌های مختلفی صورت می‌گیرند، گاهی در قالب تهاجم فرهنگی و گاهی در قالب هجمه‌های نظامی؛ اگرچه هر دو حمله خطرناکند و می‌توانند نبض تمدن را از کار بیاندازند، اما تهاجم فرهنگی به تمدن الهی بسیار خطرناک‌تر و مرگ‌بارتر است. حضرت هم با برنامه‌ریزی هوشمندانه به مقابله نظامی با مهاجمان و دشمنان پرداخته و آنها را زمین‌گیر کردند، هم با تیزبینی هر عامل تهدیدکننده فرهنگی و اعتقادی دشمن را شناسایی و درصدد مقابله با آن برآمدند.

۲۳ برقراری نظم اجتماعی و آموزش زندگی تشکیلاتی

اساس تمدن را سازمان و تشکیلات شکل می‌دهند. امت و تمدنی که حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به دنبال تشکیل آن بودند، اساساً با سایر تمدن‌ها متفاوت بود. حضرت پیش از تشکیل حکومت هم به این موضوع اندیشیده بودند و برای برپایی حکومتی سازمانی و تشکیلاتی برنامه‌ریزی کرده بودند. نخستین اقدام تشکیلاتی حضرت در این مسیر انتخاب نقبای دوازده‌گانه در پیمان عقبه دوم به عنوان سرپرستان امور

اداری و سیاسی مسلمانان در مدینه بود. ایشان حتی پیش از حضور در مدینه سنگ بنای سازمان تشکیلاتی را بنا کردند. این نقیب‌ها شهر مدینه را به چند بخش تقسیم کرده و هر کدام مسئول یک بخش شدند.

۵۳ خودکفایی و استقلال جبهه توحید

از دیگر ویژگی‌های مهم تمدن اسلامی استقلال و خودکفایی آن است که با عزت نفس آنها هم رابطه تنگاتنگی دارد. نقش پیامبر اسلام در تمدن سازی ترویج و تثبیت این روحیه در تمدن الهی بود. حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فکری جدید و مکتبی بی‌نظیر مطرح کرده بودند، ایشان توانسته بودند، بدون تکیه بر مکاتب دیگر و باج دادن به قدرت‌های بزرگ روی پای خود بایستند؛ زیرا پیروی از دیگران و سلطه‌پذیری نوعی بی‌هویتی و خودباختگی است، درحالی‌که این ویژگی دور از فرهنگ اسلام و مرام محمدی است. قرآن کریم برای تعبیر استقامت مسلمانان عبارت «استوی علی سوقه؛ بر ساقه‌شان راست ایستادند و به کمال رسیدند» را به کار برده که شیواترین تعبیر برای بیان تلاش مسلمانان برای استقامت در خودکفایی آنهاست. البته استقلال شکل‌های مختلفی دارد، وجه اقتصادی، وجه فرهنگی و وجه سیاسی انواع وجه‌های استقلال هستند. حضرت تمام تلاش‌شان را به کار گرفتند، تا تمام وجه‌های آن را برای امت اسلام فراهم کنند.

حضرت در شرایطی شعار «نه شرقی نه غربی» را با الهام از قرآن کریم بر سر زبان‌ها انداختند که اکثر مردم گمان می‌کردند، محال است بدون تکیه بر ابرقدرت‌هایی مثل روم و ایران بتوانند روی پای خودشان بایستند و به حیات سیاسی‌شان ادامه بدهند. اما نظام نوپای اسلام با رهبری آن مرد بزرگ نه تنها بدون تکیه و باج دادن به آنها شکل گرفت، بلکه توانست به عنوان حکومتی مستقل و قدرتی قابل قبول در برابر آنها قد علم کند، حتی با اعزام سفیرانش به آنجا حاکمان آنها را به آیین خود دعوت کند و با گذشت مدت کمی به آنها چیره شود.

^۴ قرآن کریم، سوره فتح، آیه ۲۹
^۵ قرآن کریم، سوره نور، آیه ۳۵

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از نظر فرهنگی هم همواره به دنبال استقلال فرهنگی کامل بودند، تا بتوانند بدون تکیه بر فرهنگ‌های دیگر و الگوپذیری از بیگانگان فرهنگ الهی اسلام را ترویج کنند. خداوند هم با آیات قرآن راه را به حضرت نشان می‌داد و این آرزوی حضرت با دستور خدا برای تغییر قبله به کمال خودش رسید و قبله مسلمانان از یهودیان جدا شد.

۷

البته تمام هم و غم حضرت برای رسیدن به استقلال سیاسی و فرهنگی نبود، بلکه استقلال اقتصادی هم دغدغه بزرگ ایشان بود. به همین دلیل حضرت همواره مسلمانان را به تلاش برای امرار معاش شرافتمندانه تشویق می‌کردند و آنها را از تنبلی و وابستگی اقتصادی و مالی منع می‌کردند. نقش پیامبر اسلام در تمدن سازی آن بود که با گفتار و رفتارشان مردم را به استقلال مالی سوق بدهند و برای این موضوع طرح و برنامه‌های فراوانی اجرا کنند.

۸۳ عزت نفس موحدان

از مهم‌ترین اصول تمدن‌سازی و حفظ آن توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) عزت‌خواهی و پرهیز جدی از هر گونه ستم‌پذیری و سرخوردگی بود. در واقع عزت این بزرگ‌مرد برای پیروانش صلابت و غیرت ایجاد کرد، تا آنها توانستند در سخت‌ترین شرایط چه در تنگنای تشنگی و گرسنگی شعب ابی‌طالب و چه در ماجرای اندوهبار جنگ احد فقط در مقابل خدا تسلیم شوند. اساس تمدن الهی و اسلامی بر عزت نفس استوار است و هر عاملی که قرار باشد، انسان را به خواری برساند، او را بترساند، مقاومت را از او بگیرد، یا به او احساس ضعف بدهد، مهره دشمن برای نابودی تدریجی یا ناگهانی تمدن‌های الهی است. نقش پیامبر اسلام در تمدن سازی آن بود که هم برای خود و هم برای مسلمانان همواره به دنبال عزت در زندگی فردی، عزت در سیاست و زندگی اجتماعی باشند، به همین دلیل از هر شیوه و روشی برای کسب و حفظ این عزت تلاش می‌کردند. هجرت به مدینه، جنگیدن و ایستادگی مقابل دشمنان داخلی و خارجی با وجود کمبود نیرو و امکانات،

^۹ قرآن کریم، سوره انعام، آیه ۱۰۶ / سوره مائده، آیه ۴۸
^۷ قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۱۴۴

استقامت در شعب ابی طالب و ده ها مثال دیگر نمونه هایی از تلاش حضرت برای حفظ عزت مسلمانان در تمدن الهی بود.

۳ آزادی

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) این ویژگی را جزئی از رسالت بزرگشان دانستند، پس برای رهایی انسان از هر قید و بندی یک تمدن الهی با محور حریت و آزادی انسان تشکیل دادند. ایشان هم برای رهایی انسان از ظلم ظالمان و سلطه جویان، هم برای رهایی انسان از اسارت شیطان و نفس بسیار تلاش کردند. ایشان هم در تأمین آزادی معنوی فعال بودند، هم در عرصه ایجاد و حفظ آزادی اجتماعی.

نقش پیامبر اسلام در تمدن سازی همان طور که قرآن اشاره کرده، آن بود که قید و بندهایی که بر دوش بشر قرار گرفته را بردارند. حضرت با هواپرستی، دنیازدگی و هر نوع قید و بندی که انسان را در خود اسیر می کند، مبارزه کردند. سیره ایشان حریت بود و شأن ایشان آزاد کردن انسان از غل و زنجیرها. به همین دلیل جهت گیری تربیتی ایشان ضمن پایه ریزی تمدن اسلامی به سوی آزاد کردن انسان ها از تعلقات غیر الهی بود. ایشان همواره تلاش می کردند، انسان را در رحم تمدن الهی خودشان ابتدا از آلودگی ها پاک کنند، هم آنها را به صفات های نیکو آراسته کنند؛ زیرا در مسیر هدایت و تربیت الهی توسط رهبر متخصص و معصوم در تمدنی الهی و اسلامی باید به بندگی خدا درآمد و از هر وابستگی پست و حیوانی رها شد.

۳ صبر و استقامت

از مهم ترین نقش های پیامبر اسلام در تمدن سازی و مشخصه های تمدن اسلامی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) صبر و استقامت ایشان و یارانشان بود. ایشان مفهوم حقیقی صبر را به یارانشان آموخته بودند؛ صبری از جنس مقاومت، استقامت و اضطراب نداشتن در مقابل سختی ها، جوری که سینه از شدت مصیبت و بلا تنگ نشده و خاطر از هتاک و آزار دیگران پریشان نشود. این موضوع باعث شد که در شرایط سخت مثل شعب ابی طالب، روزهای سخت و پرچالش زندگی میان مشرکان مکه و سال ها زندگی پر از چالش در مدینه با انواع مشکلات صبر و استقامتشان از بین نرود. چون تمدن های الهی تحت آموزش و رهبری متخصص معصومی هستند که اصول درست شریعت را از منبع الهی دریافت می کند، معنای درست هر کلمه را

می‌آموزند و به آن عمل می‌کنند، مثل صبر که به معنای تسلیم و گریز از صحنه‌های مبارزه نیست، بلکه به معنای پایداری در برابر دشمن است.

H3 سازش ناپذیری

حضرت در تمدن سازی نشان دادند که در برخورد با دشمن جای سستی و سازش نیست. در تاریخ اسلام ثبت شده که اگرچه دشمنان بارها به سازش با حضرت تمایل نشان دادند، اما ایشان همواره در برابر تهدید، تطمیع، تهمت، تمسخر، جادو و انواع سنگ اندازی‌ها مقاومت کرده و تن به سازش ندادند. ایشان به همگان آموختند که از مهم‌ترین اصول ساخت تمدن‌های الهی سازش ناپذیری با دشمنان خداوند مثل کافران و منافقان است.

H3 امنیت

نقش پیامبر اسلام در تمدن سازی ایجاب می‌کرد که تمام جوانب را در نظر بگیرند. حضرت به خوبی می‌دانستند که بدون برقراری امنیت امکان شکل‌گیری تمدن وجود ندارد؛ پس تصمیم به هجرت گرفتند. ایشان پس از هجرت به مدینه انواع روش‌ها مثل پیمان‌های صلح، پیمان برادری بین مسلمانان، اعزام نیرو به مرزها یا حتی آتش‌بس و توافق با یهودیان، تهدیدهای احتمالی را برطرف می‌کردند.

H3 لزوم تحصیل علم و دانش

نقش پیامبر اسلام در تمدن سازی و از مهم‌ترین مشخصه‌های تمدن الهی مورد نظر پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) خردورزی، علم‌آموزی و جهل‌ستیزی بود. حضرت به خوبی می‌دانستند که اگر تمدنی از علم بی‌بهره باشد، اهل موهومات و خرافه می‌شود، کورکورانه تقلید می‌کند و ضعفش عامل توسری‌خور بودن او می‌شود. هوش و تدبیر ایشان جوری بود که ضروریات تمدنی را در قالب شریعت به افراد می‌آموختند و آنها را به آموختن و اجرای آن ترغیب می‌کردند؛ مثلاً ایشان علم‌آموزی و رواج آن را حسنه، صدقه، تسبیح و جهاد معرفی می‌کردند و ارجمندترین انسان‌ها را عالم‌ترین آنها می‌دانستند. حضرت در زمانی که علم هیچ جایگاهی در میان عرب جاهلی نداشت، فخر انسان را به عالم بودن او می‌دانستند. اسلام با امر به علم‌آموزی بروز کرد، با سوگند به قلم تکمیل شد و با برتر شمردن عالمان به حد اعلا رسید. تمدن اسلامی این پندار که علم‌آموزی

مخصوص اشراف زادگان است را در هم شکست و همه افراد در تمام سنین را به علم آموزی سفارش و اجبار کرد. علم و علم آموزی ستونی از ستون های مهم تمدن اسلامی بود، جوری که فراگیری آن از سایر امت ها و ملت ها مجاز بود و تحمل هر رنجی در راه فراگیری آن دارای اجر و پاداش دنیوی و اخروی معرفی شده است.

۲۲ ارتباط تکوینی تمدن رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) با تمدن نوین جهانی منجی موعود

ورود رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) به مدینه اولین فرصت ویژه ای بود که برای ایشان امکان عملی ساختن اندیشه دیرینشان را فراهم کرد و شرایط ایفای نقش پیامبر اسلام در تمدن سازی را مهیا کرد. ایشان همواره به دنبال تشکیل تمدنی بودند که بر ستون های مشخصی استوار باشند. ایشان توانستند عزت خواهی، صبر و استقامت، حریت و آزادی، صلابت و سازش ناپذیری، استقلال و خوداتکایی در عرصه های سیاسی و فرهنگی، دانش گستری و جهل ستیزی و مانند آن را به جوامع بشری معرفی نمایند. اما این تشکیل امت و ساخت تمدن فقط شروع راه بود. حضرت به خوبی می دانستند که با توجه به فرصت محدودشان و وجود دشمنان داخلی و خارجی امکان تشکیل آن دولت کریمه موعود را ندارند، اما از پا ننشستند و مدل و الگوی اولیه تمدن الهی را طراحی و اجرا کردند، تا اوصیاء و جانشینان پس از ایشان به مرور این مدل را تکمیل کنند و این هدف نهایتاً توسط آخرین وصی ایشان یعنی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به بهترین و کامل ترین شکل اجرا شود.

مسیر ایفای نقش پیامبر اسلام در تمدن سازی جوری بود که حضرت تمام تلاششان را به کار گرفتند، تا بر اساس دستورات الهی و اصول اسلامی تمدنی پایه ای اجرا کنند، تا تمدن نوین جهانی سرمشق هایش را از ایشان بگیرد و بداند که مسیر تشکیل و بقایش را چگونه باید پیش برده و مدیریت کند. از آنجا که رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) می دانستند که پس از شهادتشان نالایقان جایگاه ایشان را غصب می کنند و اصول الهی تمدن اسلامی را نابود می کنند. مهم ترین نقش پیامبر اسلام در تمدن سازی آن بود که طبق دستور خداوند در ماجرای غدیر خم حضرت علی (علیه السلام) را مقابل چشم همگان به عنوان جانشین خود انتخاب کنند. قرار بود حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) به عنوان پیامبر خاتم سنگ بنای تمدنی الهی را بگذارند، سپس بعد از ایشان

اوصیاء جانشین ایشان رهبری این تمدن را به عهده بگیرند و انسان‌ها در رحم سازنده تمدنی الهی سعادت دنیا و آخرت را به دست بیاورند و به مقام جانشینی خدا روی زمین برسند.

سیره حضرت و حوادث مختلف سرگذشت ایشان بالاترین گواه برای نقش پیامبر اسلام در تمدن سازی، تلاش همه‌جانبه ایشان برای برپایی تمدنی الهی و قرار دادن مردم در رحم این تمدن برای تکامل نفس و تکوین روح ایشان بود؛ زیرا تنها مکانی که قابلیت به سعادت رساندن انسان در دنیا و آخرت را دارد، رحم تمدنی الهی است که توسط رهبری متخصص و معصوم هدایت می‌شود. این امر با تمدن اسلامی حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آغاز شد، در طول دوران ۲۵۰ ساله امامت یازده امام اول مراقبت شد و برای امام دوازدهم حفظ شد، تا ایشان توسط صالحان آخرالزمان ظهور کنند و این تمدن را برای نجات بشر برپا کنند.